

بررسی مفاهیم مشروعیت و کنش از دیدگاه ماکس وبر

نویسنده: عبدالشریف ولدبیگی

سنخ شناسی وبر در بحث اقتدار و مشروعیت یکی از مباحث محوری جامعه شناسی سیاسی است که در نوع خود تحلیلی بدیع و در خور اعتنا در این زمینه بود. این تحلیل البته به طور طبیعی با نقدها و تأیید های زیادی نیز مواجه شد و بعدها شارحان وبر این مدل وی را برای تحلیل انقلاب اسلامی ایران نیز بکار بردند. به هر حال آنچه بدیهی می نماید تقدم فهم و درک مدل تحلیلی وبر بر نقد یا تأیید آن است. در ادامه مروری گذرا بر دیدگاه وبر در این زمینه خواهیم داشت.

ماکس وبر در آوریل ۱۸۶۴ م در ایالت تورینگ آلمان متولد شد. پدرش حقوقدان بود و به لذت های دنیوی علاقه داشت. با این حال مادرش زنی با فرهنگ و به شدت نگران مسائل فرهنگی و مذهبی ماکس بود و تا زمان مرگش رابطه فکری نزدیکی با او داشت. وبر در کودکی و نوجوانی اش، اغلب روشنفکران و مردان سیاست مهم زمانه اش مانند دیتلهی، مومسن، زیبل، تراپچکه و کاب را در پذیرایی های پدر و مادرش ملاقات می کرد. وی که از بنیان گذاران جامعه شناسی جدید محسوب می شود، مفاهیمی مانند تفهم، تفرد پدیده های جامعه شناختی و تاریخی و فراغت از ارزش را وارد علم جامعه شناسی کرد. روش شناسی او از نوع تفهمی و خردگراست که با روش شناسی پوزیتیویستی متفاوت است.

وبر در سال های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ یکی از آثار مشهورش را با عنوان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری» منتشر کرد. در این اثر، وبر برتری مذهب مادرش را در یک سطح دانشگاهی اعلام کرد. او هر چند خود فردی مذهبی نبود، بیشتر وقتش را به بررسی مذهب اختصاص داده بود. وبر بر اثر یک بیماری روانی حدود شش سال فعالیت های علمی خود را متوقف کرد، بعد از سال ۱۹۰۴ م توانایی کار کردن پیدا کرد و بعضی از آثار مهمش را تولید کرد. در این سال ها، بررسی هایش را درباره دین های جهانی برای مثال، چین، هند و یهودیت باستان در یک چشم انداز تاریخ جهانی منتشر کرد.

ماکس وبر در زمره اولین کسانی است که به منابع اقتدار و مبانی مشروعیت توجه کرد. او به سه نوع اقتدار با سیادت مشروع اشاره کرده است: مشروعیت سنتی، مشروعیت قانونی - عقلانی و مشروعیت فرهی. در مشروعیت سنتی توجیه اقتدار بر مبنای آداب و سنت های گذشته، در مشروعیت فرهی (کاریزماتیک؛ یعنی نفوذ در قلوب) ویژگی های استثنایی رهبر و در مشروعیت قانونی و عقلانی، مقررات دیوان سالاری و قوانین رسمی این نیاز را تأمین می کند.

اگر حکمرانان نتوانند تسلط خود را به یکی از سه طریق یاد شده توجیه کنند، وسایل نابودیشان فراهم شده و در صورت تداوم مشروعیت نداشتن ممکن است سرنگون شوند و نوع اقتدار عوض شود.

بر اساس آنچه وبر بیان کرده مشروعیت سنتی ممکن است وراثتی باشد؛ مانند مشروعیت سلطنت در یک خانواده معین و ممکن است آداب و رسوم قبیله باشد؛ مثل آنچه در بین عشایر مرسوم است که بزرگ قبیله حاکم باشد.

مشروعیت فرهی ناشی از استعدادها و قابلیت های فرد است که قضاوت عمومی جامعه بر این قرار می گیرد که کاریزما (کسی که محبوب مردم شده است) حق اقتدار و اعمال حاکمیت دارد. مشروعیت عقلانی، قانون ناشی از پیشرفت جامعه مدنی است که با ساز و کارهای انتخاباتی و آرای اکثریت تحقق می یابد.

وبر جامعه شناسی است که برای اولین بار مفهوم کنش اجتماعی را مطرح و آن را به چهار دسته تقسیم کرد. وی چون درصدد ارائه تفسیری روشن از عقل گرایی کنش اجتماعی در تمدن اروپایی بود، عقلانیت جدید را از میان این چهار نوع کنش اجتماعی مورد باز شناسی قرار داد:

۱. کنش عقلانی معطوف به هدف؛ ۲. کنش عقلانی ارزشی؛ ۳. کنش عاطفی؛ ۴. کنش سنتی.

در نوع اول خود کنش اجتماعی هدف نیست؛ بلکه به شکل عقلایی ابزاری برای وصول به مجموعه ای از اهداف شخص فرد مد نظر است؛ بنابراین هدف بیرون از کنش عقلانی قرار دارد و فرد از طریق سنجش و پیش بینی عقلایی هدف، ابزار و شرایط منطقی تحقق اهداف، کنش اجتماعی خود را تنظیم می نماید. عقلانیت ارزشی، نوعی باور آگاهانه به ارزشهای اخلاقی، زیبایی شناختی، مذهبی و ... است. این نوع از عقلانیت معطوف به توفیق بیرونی نیست و فقط به خاطر خودش پدید آمده است. به عبارت دیگر معنادار بودن کنش عقلانی ارزشی به دلیل اهداف و توفیقات بیرونی نیست، بلکه معنا در خودش نهفته است. مانند: کنش ایثارگری، بخشنده و انسان دوستی.

کنش عاطفی ناشی از تمایلات خاص و وضعیت های احساسی است که اگر این رفتار به شکل آگاهانه کنترل شود، جنبه عقلایی پیدا می کند؛ از این رو این نوع کنش عقلایی شخصی است. کنش سنتی جنبه تقلیدی و روزمره گی دارد و از طریق گرایش به سنت و عادات رایج حاصل می شود.

وبر با مرزبندی بین کنش عقلانی و غیر عقلانی بر این عقیده است که هریک از این سه کنش اجتماعی، ممکن است در طرف عقلانیت مرز یا در طرف دیگر آن قرار گیرد. و به این دلیل است که شأن عقلانی و غیر عقلانی پیدا می کنند؛ بر این اساس عقلانیت هر سه این کنش ها از نوع عقلانیت معطوف به هدف نخواهد بود.

بدین ترتیب ماکس وبر یکی از جامعه شناسان جدید است که با آوردن مفاهیم جدیدی مانند کنش اجتماعی و تقسیم بندی کلاسه شده ای از انواع مشروعیت به سهم خود به علم جامعه شناسی کمک کرد. قبل از او، جامعه شناسانی دیگر در باب مشروعیت و اقتدار نظریه پردازی کرده بودند، اما تقسیم بندی او از این مفاهیم و اقبال جامعه شناسان دیگر، باعث شهرت جهانی وی شد. به گونه ای که امروزه بسیاری از پژوهشگران درصددند تا تحلیل جوامع سیاسی و بازشناسی آن را بر مبنای فرمول مشروعیت ماکس وبر انجام دهند. اما واقعیت آن است که همه تحولات و رفتارهای سیاسی را نمی توان بر مبنای این فرمول ارزیابی کرد. چه بسا بکارگیری آن برای تحلیل و توصیف ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع در بیشتر موارد نه تنها حقیقت موجود این جوامع را آشکار نمی سازد، بلکه نتیجه ای انحرافی حاصل می شود و این باعث گمراهی طالبان اندیشه و اندیشه ورزی خواهد شد.

منبع: نشریه زمانه، شماره ۹۰.